

کمونیسم علیه سکتاریسم

پرچم سرخ

برقرار باد دیکتاتور انقلابی پرولتاریا

<http://www.comoon1871.blogfa.com/>

نوشته شده در چهارشنبه یکم فروردین 1386 ساعت 2:29 توسط مبارز سوسیالیست

مقدمه

جنبش کارگری ایران در سال های اخیر مشخصا پس از شکست الترناتیو بورژوازی دوم خرداد جان دوباره ای یافته است. اعتصاب گسترده معلمان در یک ماه گذشته □ مقاومت سندیکایی کارگران شرکت واحد در برابر تعرض حکومت سرمایه و مبارزات به خاک و خون کشیده شده کارگران شهر بابک و دهها اعتصاب و اعتراضی که در چند سال اخیر به وسیله کارگران پیشرو سازماندهی و اجرا شده است همگی نوید عروج دوباره طبقه کارگر ایران را می دهد. این اعتلای مبارزاتی که نمی تواند چیزی جز بازتاب رشد تضاد های ویرانگر سرمایه داری حاکم بر ایران باشد دینامیزم خود را به سایر اندام های اجتماع نیز تسری داده است مشخصا رشد فزاینده رادیکالیسم در دانشگاه و عبور جنبش زنان از الترناتیو های اسلام خوش خیم و فمینیسم فرمیست بازتابی از خیزش دوباره طبقه کارگر ایران است.

فاکت هایی که در بالا بیان شد نهایتا رشد تضاد کار و سرمایه را نوید می دهد. از منظر منافع مستقل پرولتاریا حل نهایی این تضاد در گرو یک انقلاب سوسیالیستی است با این حال جنبش کارگری ایران با وجود پیشروی بسیار هنوز اعتلای «انقلابی» نیافته است. مسئله بی نهایت اساسی این است که اعتلای جنبش کارگری به مرحله انقلاب امری جبری نیست و تابعی از فعالیت عملی-انتقادی پراتیسین های کمونیست برای رفع محدودیت های نظری و عملی جنبش کارگری می باشد. در این راه سکتاریسم یکی از محدودیت های اساسی جنبش کارگری ایران است.

کمونیسم فرقه یا جنبش اجتماعی

از دیدگاه متفکران بزرگ پرولتاریا کمونیسم جنبش اجتماعی طبقه کارگر برای سرنگونی انقلابی دولت سرمایه داری □ الغای مالکیت خصوصی و برقراری دیکتاتور انقلابی پرولتاریاست در حالی که سکتاریسم گرایش است که مشخصا خصلت اجتماعی- کارگری جنبش کمونیستی را نفی می کند. در واقع سکتاریسم نتیجه تهی شدن کمونیسم از همه بنیان های طبیعی خود و هژمونی گرایش خرد بورژوازی و غیر کارگری بر آن است به این اعتبار مبارزه با سکتاریسم نمی تواند معنایی جز بازگشت به کمونیسم داشته باشد.

چرایی سکتاریسم در جنبش کارگری ایران

سکتاریسم در جنبش کارگری ایران ریشه در دو محدودیت درونی و بیرونی دارد. واکاوی بیشتر این محدودیت ها همزمان نشان می دهد که چگونه رفع آنها در گرو بازگشت به کمونیسم است.

دیکتاتور محدودیت بیرونی جنبش

در کشورهای پیرامونی سود اوری سرمایه به دلیل کارکرد های خاص امپریالیسم و به دلیل تکنیک ابتدایی تولید وابستگی تام به استثمار وحشیانه طبقه کارگر دارد به دنبال آن کارکرد اساسی دولت در این گونه کشورها نیز مطیع و منقاد نگاه داشتن کارگر ارزان است. بنابراین روینای سیاسی شیوه تولید سرمایه داری وابسته (سرمایه داری کشور پیرامونی در عصر امپریالیسم) همواره یک دیکتاتوری خشن و عریان می باشد. این دیکتاتوری که در تاریخ سرمایه داری ایران در اشکال سلطنتی و اسلامی ظهور یافته همواره یکی از محدودیت های اساسی جنبش کمونیستی برای اجتماعی شدن و عامل گرایش به سکتاریسم چه در شکل سازمانی و چه در اشکال مبارزاتی بوده است. توضیح اینکه سرکوبگری دولت های هار سرمایه داری حاکم بر ایران همواره مانعی اساسی در برابر ارتباط مبارزان کمونیست با یکدیگر و با طبقه کارگر ایجاد می کند. در این شرایط هسته های کمونیستی به صورت جزیره هایی جدا از هم و جدا از طبقه کارگر تشکیل می شوند. در نتیجه ایزوله شدن به تدریج خود محوری بر این هسته ها حاکم می شود به دنبال آن اشکال غیر اجتماعی مبارزه نیز مانند چریکیسم و فعالیت زیر زمینی شکل می گیرد که اینها نیز به نوبه خود فرقه گرایی سازمانی را تقویت می کنند. مشخصا در چنین وضعیتی فرقه گرایی یکی از بنیان های طبیعی کمونیسم یعنی خصلت اجتماعی آن را از پراتیک حذف می کند.

ترکیب غیر کارگری محدودیت درونی جنبش

مارکسیسم در سال های پیش و پس از انقلاب ۵۷ تبدیل به سلاح تئوریک طبقاتی غیر از طبقه کارگر شد. مشخصا در آن سال ها روشنفکران رادیکال و بخشهایی از خرده بورژوازی معترض زیر پرچم مارکسیسم قرار گرفتند آنها به سرعت سنت ها و گرایشات عقب افتاده طبقاتی خود را به جنبش تحمیل کردند. در واقع فرقه گرایی گرایشی روشنفکرانه و خرده بورژوایی است که در نتیجه تسلط خطوط غیر کارگری بر جنبش کمونیستی تحمیل شد و به طبقه کارگر و امکانات انقلابی او پشت پا زد. توضیح اینکه در چهار چوب شیوه تولید سرمایه داری در نتیجه گذار از مرحله مانوفاکتور به تولید صنعتی بزرگ □ تولید مشخصا خصلتی اجتماعی به خود گرفت سرمایه داری انسان های زیادی را به عنوان کارگر در کارخانه ها و شهر های صنعتی گرد آورد. این واقعیت امکان تبدیل مبارزه کارگری را به یک مبارزه اجتماعی در اشکالی مانند اعتصاب مهیا کرد اشکالی از مبارزه که ذاتا ضد فرقه گرایی و مبتنی بر اتحاد عمل کارگری هستند. اما در نتیجه تسلط گرایش خرده بورژوایی بر جنبش کمونیستی ایران به جای خط مبارزه اجتماعی متکی بر امکانات مبارزاتی طبقه کارگر خط مبارزه فرقه ای مبتنی بر چریکیسم و فعالیت زیر زمینی بر جنبش حاکم شد. در واقع در این عرصه نیز فرقه گرایی خصلت اجتماعی- کارگری کمونیسم را از پراتیک حذف کرد و به عنوان یک محدودیت در برابر اعتلای جنبش کارگری ایران به مرحله انقلابی قرار گرفت.

چه باید کرد

گفتیم فرقه گرایی ریشه در تهی شدن کمونیسم از بنیان های طبیعی خود دارد و آنچه را که نفی می کند خصلت اجتماعی- کارگری جنبش کمونیستی است. همچنین گفتیم که سکتاریسم بیش از آنکه ناشی از اشفته ذهنی یا خود محوری فعالین چپ باشد ریشه در محدودیت های سیاسی و گرایش های طبقاتی جنبش کمونیستی ایران دارد. در ایران از یک سو دیکتاتوری با اعمال سرکوب خصلت اجتماعی مبارزه کارگری را می گیرد و آن را به سوی سکتاریسم سوق می دهد از سوی دیگر خرده بورژوازی با پشت کردن به طبقه کارگر و امکانات انقلابی او خود به سوی سکتاریسم پیش می رود. بنابراین رفع محدودیت فرقه گرایی در گرو بازگشت به بنیان های نفی شده کمونیسم یعنی پراتیک اجتماعی- کارگری است. پراتیکی اجتماعی که بر امکانات انقلابی طبقه کارگر (تشکل- اتحاد عمل- اعتصاب و قیام عمومی) تاکید می کند و پراتیکی کارگری که رهبری او نه یک رهبری خرده بورژوایی بلکه حزبی متشکل از آگاه ترین کارگران انقلابی است. تجربه سال های اخیر نشان داد که هر گاه

کارگران متکی بر امکانات مبارزاتی خود با تشکل یابی و اتحاد عمل دست به اعتصاب یا اعتراض زدند توانستند تعرض حکومت سرمایه را پاسخ داده و خشونت ماشین سرکوب طبقه حاکم را کم اثر کنند ارتقاء این شکل از مبارزه به اعتصاب سیاسی سراسری و قیام مسلحانه عمومی در متن بحران دائمی سرمایه داری حاکم بر ایران راهبرد انقلاب سوسیالیستی آینده ایران است. در این راه کوشش برای مبارزه با فرقه گرایی از رهگذر تکامل نظری و عملی مبارزه کارگری - اجتماعی (کمونیستی) اهمیت اساسی دارد.